

Symbolism in the Qur'anic Story of Prophet Ibrahim (PBUH)*

Davood Memari**

Amir Jabari***

Abstract

The Holy Qur'an contains a collection of stories about the divine prophets, through which the contrast between truth and falsehood across history and human societies is clearly depicted. The mysterious story of Abraham (PBUH) is one such example, in which positive and negative characters are portrayed and symbolized for future generations. The symbolism in this story is based on "individuals and characters" as well as "events and natural forces." The positive heroes of this story are: Abraham (PBUH), who symbolizes a revolutionary figure in realizing monotheism and a fighter against the manifestations of tyranny; Hagar, who symbolizes loyalty; Ishmael, who symbolizes absolute devotion and submission; Isaac, who symbolizes hope and insight; and Sarah, who symbolizes empathy and affection. The negative characters, such as Nimrod, Azar, and his people, represent arrogance, rejection of truth, retrogression, and fanaticism, respectively. Moreover, in a novel move, the Holy Qur'an also symbolizes natural events and forces. In this story, the Ka'bah symbolizes monotheism and the unity of the Islamic Ummah, Safa and Marwah symbolize respect for the divine rituals, celestial bodies symbolize a logical proof, idols symbolize tyranny, and the axe symbolizes the struggle.

Keywords: Qur'anic Stories; The Story of Abraham (PBUH); Symbolism; Positive and Negative Characters

* Received:2023-12-05 Revised: 2024-05-25 Accepted: 2024-05-27

** Associate Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Islamic Sciences and Research, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran. (The Corresponding Author) Email: Memari@isr.ikiu.ac.ir

*** Master's degree student in Quran and Hadith Sciences, Faculty of Islamic Sciences and Research, Imam Khomeini International University. Qazvin, Iran. Email: Amirjabari1478@gmail.com



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.

نمادسازی قرآن کریم در داستان حضرت ابراهیم(ع)*

داود معماری**

امیر جباری***

چکیده

قرآن کریم دربردارنده مجموعه داستان‌هایی درباره انبیاء الهی است که در خلال آن‌ها به روشنی تقابل حق و باطل در طول تاریخ و جوامع بشری ترسیم شده است. داستان رازآلود ابراهیم(ع)، یکی از نمونه‌های آن است که شخصیت‌های مثبت و منفی آن برای آیندگان تصویرپردازی و نمادسازی شده اند. نمادسازی در این داستان مبتنی بر «افراد و شخصیت‌ها» و «وقایع و عوامل طبیعی» است. قهرمانان مثبت این قصه عبارتند از: ابراهیم(ع) که نماد شخصیتی انقلابی در تحقق آیین توحیدی و مبارز در مواجه با ظواهر طاغوتی است و هاجر نماد ولایت‌مداری، اسماعیل نماد بندگی و تسلیم محض، اسحاق نماد امید و بصیرت و ساره نماد همدلی و دلدادگی. شخصیت‌های منفی همچون نمرود، آزر و قومش نیز به ترتیب نماد استکبار، حق‌گریزی و ارتجاع و تعصب اند. افزون‌برآن، قرآن مجید در اقدامی بدیع، وقایع و عوامل طبیعی را نیز نمادسازی کرده است. در این داستان، کعبه نماد توحید و وحدت امت اسلامی، صفا و مروه نماد پاسداشت از شعائر الهی، اجرام آسمانی نماد برهان مستدل، بت نماد طاغوت و تبر نماد مبارزه به تصویر درآمده‌اند. کلیدواژه‌ها: قصص قرآنی، داستان ابراهیم(ع)، نمادسازی، شخصیت‌های مثبت و منفی

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۱۴ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۳/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۰۷
** دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم و تحقیقات اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران. (نویسنده مسئول) ایمیل: Memari@isr.ikiu.ac.ir

*** دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشکده علوم و تحقیقات اسلامی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران. ایمیل: Amirjabari1478@gmail.com

۱. طرح مسأله

قرآن کریم، کتاب هدایت و رستگاری آحاد و جوامع بشری است که در آن شک راه ندارد (بقره/۲) و تضمین‌کننده سعادت دنیوی و اخروی انسان در پیشبرد اهداف عالیه خویش است. در این کتاب‌نورانی، باید‌ها و نبایدها براساس ظرفیت‌های بشری بیان شده است و سخنانی در خصوص توحید، معاد، تعلیم و تربیت، ارشادهای اخلاقی و ضد آن ... به میان آمده است. یکی از هنرهای بدیع قرآن مجید، بیان و تبیین قصص- انبیاء(ع)، امت‌های پیشین و شخصیت‌پردازی و نمادسازی است تا دل و جان مخاطبان را با این الگوپردازی‌ها روشن و بیدار سازد.

داستان‌های قرآن مانند قصه‌های رایج بشری نیست و با آن‌ها تفاوت ماهوی دارد. از آن‌جا که این کتاب حکیم هدفش سعادت انسان است، بیان برخی داستان‌ها برای دل‌مشغولی و سرگرمی نیست و این قصص با عنایت ویژه در جهت اثرگذاری بر روی مخاطب در لابه‌لای دیگر آیات روشنگر آن جای گرفته و برای وصول به این هدف از شخصیت‌ها و وقایع حقیقی بهره جسته است نه قهرمانان افسانه‌ای و اسطوره‌ای. از سوی دیگر، داستان‌های قرآنی موجز و مختصر است و اغلب به صورت کلی بیان شده و از ذکر جزئیات پرهیز شده است. مهم‌ترین ویژگی داستان‌های قرآنی، بنای آن‌ها بر پایه تقابل حق و باطل است و همواره می‌کوشد تا این جریان را به صورت زنده و کاربردی برای آیندگان حفظ نماید.

قرآن کریم، با نمادسازی و شخصیت‌پردازی قهرمانان و ضدقهرمانان، ابتدا آنان را برای همان شنوندگان حاضر عصر خود بیان می‌دارد و سپس دایره شمول آن را تا آیندگان و ابدیت می‌گستراند؛ به طور مثال، نوح(ع) نماد استقامت (الاعراف/۵۹)، شیطان نماد طغیان و تجاوز از حدود الهی (الحجر/۳۳)، قارون نماد دنیا گرایی و

۳۴۶ دوفصلنامه تفسیر پژوهی اثری - سال یازدهم، جلد اول، شماره ۲۱، بهار و تابستان ۱۴۰۳

سرمرستی (القصص/۷۶)، موسی(ع) نماد پایداری و فسادستیزی (الاعراف/۱۰۳)، ابراهیم(ع) به عنوان نماد حق گرایی و مبارزه با طاغوت (النساء/۱۲۵) و... به صورت زیبا و دلربا نمادسازی شده‌اند.

داستان حضرت ابراهیم(ع)، به عنوان یکی از پندآموزترین داستان‌های قرآنی، در ۲۵ سوره به تفصیل آمده و بیش از ۵۰ آیه به این قصه پرداخته و نام وی ۶۹ مرتبه در آیات ذکر شده است. قهرمانان و الگوهای شخصیتی در این جریان، حضرت - ابراهیم(ع)، فرزندش حضرت اسماعیل و مادرش هاجر، ساره و فرزندش اسحاق هستند و شخصیت‌های منفی و ضدقهرمانانی مانند: نمrod، قوم ابراهیم و آزر (عموی وی) (الانعام/۷۴).

در این داستان، خداوند متعال به روشنی، رویایی حق و باطل را به نمایش می‌گذارد و درباره هر دو گروه، شخصیت‌ها و نقش‌های آنان را به تصویر می‌کشد؛ همچنین، این تضاد دو جریان به جاذبه قصص قرآنی افزوده و مخاطبان را در شناسایی حق و باطل کمک شایانی می‌کند.

قرآن کریم به گونه‌ای ظریف برخی حوادث و وقایع را نیز در این داستان نمادسازی کرده است؛ کعبه نماد توحید و وحدت امت، صفا و مروه نماد پاسداری از شعار الهی، اجرام آسمانی نماد برهان عقلی و شهودی، بت نماد طاغوت و تبر نماد مبارزه و پیکار.

این پژوهش با روش توصیفی و تحلیلی و با استناد به منابع کتابخانه‌ای و علمی، داستان پر رمز و راز حضرت ابراهیم(ع) را در قرآن مبین بررسی کرده و به تبیین نمادسازی‌ها و شخصیت‌پردازی‌های آن می‌پردازد.

پیشینه پژوهش

ذیل آیات مرتبط با داستان ابراهیم(ع) در قرآن و تفاسیر سخن به میان آمده است، اما در خصوص نمادسازی شخصیت‌ها، عوامل طبیعی و مکان‌های موجود در داستان، به طور مستقل پژوهشی انجام نشده است. در ادامه به برخی از آثار مربوطه اشاره می‌گردد:

۱. کتاب «طلوع جاودان: پژوهشی درباره زندگانی حضرت ابراهیم(ع)» (۱۳۸۶ش)؛ محمد صالح‌منش، این کتاب پژوهشی جامع درباره حیات معنوی و زندگی وی از تولد تا هجرت و از هجرت تا رحلت است.

۲. کتاب «قهرمان توحید: شرح و تفسیر آیات مربوط به حضرت ابراهیم(ع)» (۱۳۸۸ش)؛ ناصر مکارم شیرازی؛ در این کتاب، تاریخ زندگانی ابراهیم بت‌شکن مرور می‌شود که هم قدرت نمایی پروردگار در آن به عیان دیده می‌شود، و هم درس‌های توحید در آن موج می‌زند، و هم ما را به یاد جهان آخرت می‌اندازد، و هم به سوی مبحث مهم امامت رهنمون می‌گردد، و هم فلسفه اعمال و مناسک حج را برای ما روشن می‌سازد.

۳. کتاب «سیره تربیتی پیامبران: حضرت ابراهیم(ع)» (۱۳۹۹ش)؛ محمدرضا عابدینی؛ اثر حاضر در دوازه فصل به بیان سیره تربیتی ایشان پرداخته است.

۴. مقاله «روش قصه‌پردازی در داستان حضرت ابراهیم(ع)» (۱۳۹۹ش)؛ حمید محمدقاسمی و همکاران؛ این پژوهش در پی آن است با استفاده از روش‌ها و شیوه‌های متعدد برای دست‌یابی به هدف والای انسان با استفاده از داستان ابراهیم(ع) دست یابد.

۵. مقاله «بررسی تطبیقی داستان حضرت ابراهیم(ع) در متون تفسیری و عرفانی تا قرن هفتم» (۱۳۸۹ش)؛ حسین آقا حسینی و همکاران؛ هدف از این تحقیق، بررسی داستان ابراهیم(ع) از منظر تفاسیر با صبغه عرفانی است.

۶. پایان‌نامه «رمزگرایی و اشاره در قصه‌های قرآن، با رویکرد به داستان حضرت ابراهیم(ع)» (۱۴۰۱ش)؛ مصطفی‌الدبی؛ مولف در این پژوهش در پی کشف مضامین فکری مرتبط با اشارات قرآنی به ویژه در داستان ابراهیم(ع) بوده و ارتباط آن با واقعیات اجتماعی است.

تفاوت پژوهش حاضر با پژوهش‌های پیشین این است که در این مقاله به طور مستقل و ویژه در خصوص «نمادسازی قرآن‌کریم در داستان حضرت ابراهیم(ع)» تحقیق شده است، ولی در آثار وزین پیش گفته موضوعاتی از قبیل؛ سیر زندگانی و - حیات معنوی، شرح تطبیقی داستان ابراهیم با متون تفسیری و عرفانی، رمزگرایی با رویکرد اجتماعی و بیان سیره‌تربیتی حضرت ابراهیم(ع) بررسی شده است. از این رو، موضوع پژوهش پیش رو بدیع و درخور درنگ بوده، و سعی گردیده نمادهای داستان متناسب با شرایط روز کاربردی شود.

۱. گونه‌های نمادسازی در داستان حضرت ابراهیم(ع)

در این پژوهش، نمادسازی‌های قرآن‌کریم در این باره در دو بخش «اشخاص و افراد» و «حوادث و عوامل طبیعی و مکانی» مورد بررسی واقع خواهد شد. اینک به بررسی مفاهیم کلی «نماد» و «داستان» می‌پردازیم:

۲-۱. مفهوم نماد و داستان

نماد واژه‌ای فارسی است که در زبان عربی به آن رمز و در زبان اروپایی سمبول می‌گویند. (symbol) معادل انگلیسی نماد است و در اصل یونانی از دو جزء «syn=sym» و «ballein» ساخته شده است. جزء نخست این کلمه به معنی «با»، «با هم» و جزء دوم به معنی «انداختن»، «ریختن»، «گذاشتن» و «جفت‌کردن» است. پس کلمه

«symbolallein» به معنی «باهم انداختن»، «باهم ریختن»، «با هم گذاشتن»، «با هم جفت کردن» و نیز به معنی «شرکت کردن»، «سهم دادن» و «مقایسه کردن» است. کلمه «Symbole» در یونانی از همان اصل است و به معنی «نشانه» یا «علامت» به کار می‌رود (پورنامداریان، ۱۳۷۶ش: ۵). نماد، نشانه و علامتی حاوی معنایی خاص است (دهخدا، ۱۳۹۰ش: ۳۰۳۸)؛ بنابراین، نماد عبارت است از هر گونه علامت، ترکیب، نشانه و عبارتی که بر معنی و مفهومی ورای آنچه ظاهر می‌سازد (چدویک، ۱۳۹۰ش: ۹).

داستان در لغت به معنای امثال، مثل آوردن، حکمت گفتن، قصه بیان کردن و... آمده است (دهخدا، ۱۳۹۰ش: ۱۲۲۵). داستان، تصویری عینی از چشم‌انداز و برداشت نویسنده از زندگی است. هر نویسنده فکر و اندیشه معینی درباره زندگی دارد یا نحوه برخوردش با زندگی، فلسفه زندگی او را مجسم می‌کند. در ضمن، هر نویسنده چون هر کس دیگر، احساس به خصوصی از زندگی دارد و این احساس با فکر و اندیشه او در ارتباط است. در واقع، افکار و اندیشه‌ها را نمی‌توان از احساسات و عواطف جدا کرد. این افکار و احساسات گاهی به هم آمیخته و پیوسته‌اند و گاه در برابر هم قرار می‌گیرند و از این رو ممکن است نویسنده‌ای قادر نباشد که احساسات خود را با افکاری که برایش مهم است، مرتبط کند. اما می‌تواند این احساسات را در تخیل (شخصیت‌ها یا عمل داستانی) تشریح و تجربه کند، از همین رو داستان را می‌آفریند. بنابراین داستان، نمایش کوششی است که سازگاری افکار و عواطف را موجب می‌شود (میرصادقی، ۱۳۷۶ش: ۳۲-۳۱). بنابراین، قرآن کریم حاوی نمادها و داستان‌هایی است که خداوند متعال در جهت تصویرگری و تثبیت در اذهان عمومی، بسیاری از معارف حق را در این دو قالب عرضه کرده است. (قطب، ۱۹۹۵م: ۱۶۸-۱۶۵).

۲. نمادسازی اشخاص و افراد

الگوهای شخصیتی در داستان ابراهیم(ع) به دوگروه حق و باطل، مثبت یا منفی، قهرمان و ضدقهرمان بیان شده است. همواره در طول تاریخ و در جوامع انسانی دو جبهه حق گرا و باطل مقابل یکدیگر بوده اند که در داستان مدنظر نقش ابراهیم خلیل بسیار پررنگ است.

۳-۱. ابراهیم(ع)؛ نماد شخصیتی انقلابی، مستحکم و مبارز

حضرت ابراهیم(ع) یکی از پیامبران اولوالعزم است که در زمان پادشاهی نمرود به نبوت مبعوث شد و قوم بت پرست خود را به دین توحید دعوت نمود. حضرت اسماعیل و حضرت اسحاق(ع) فرزندان ایشان می باشند که به واسطه آن دو، نسب بسیاری از انبیاء الهی از جمله حضرت موسی، حضرت عیسی و حضرت محمد(ص) به وی باز می گردد. به فرموده قرآن کریم، ایشان به کمک فرزندش اسماعیل، کعبه را بنا نمود و به فرمان خدا مردم را به مناسک حج دعوت کرد (البقره / ۱۲۸-۱۲۷).

ولادت ابراهیم بنا به اختلاف روایات، در ۲۵ ذی القعدة یا ۱ ذی الحجه بوده است (صدوق، ۱۴۰۶ق: ۱۰۴). حضرت ابراهیم پسر تارخ از نوادگان نوح(ع) است. وی در کشور بابل و در دوران حکومت «نمرود بن کنعان» چشم به جهان گشود (سبحانی، ۱۳۸۵ش: ۸۷). نمرود بر اساس پیشگویی کاهنان و ستاره شناسان - که از به دنیا آمدن کودکی که تاج و تخت او را در هم می کوبد خبر داده بودند- دستور داده بود از زنان باردار مراقبت بسیار به عمل آید و هر نوزادی را که به دنیا می آید، به قتل رسانند. از این رو، مادر حضرت ابراهیم، امیله، به هنگام درد زایمان رو به صحرا نهاد و فرزند خود، ابراهیم را در غاری در بالای کوهی به دنیا آورد و تا سال ها او را در همان مکان مخفی نگه داشت (صدوق، ۱۴۰۶ق: ۱۰۴).

بدون شک، مهم‌ترین نمادهای داستان ابراهیم براساس مضامین قرآنی، حق‌گرایی و یکتاپرستی، استقامت، تلاش خستگی‌ناپذیر، ایستادگی در برابر تهدیدات و احتجاجات مختلف است. این ویژگی‌ها در اثنای داستان آن حضرت در قرآن به گونه‌های مختلفی به نظر جلوه‌آرایی می‌کند:

أ: نماد حق‌گرایی: ابراهیم (ع) بنده خالص خداوند بود و او را برای حق‌گرایی، خلوص و پاکی اخلاق به عنوان دوست خود قرار داد (النساء/۱۲۵). در این آیه، خداوند سبحان ابراهیم را تحسین و به نوعی مردم را از دارا بودن دین حق و مولفه‌های آن آگاه می‌کند. صاحب‌المیزان می‌نویسد: «بهترین دین آن است که انسان خود را تسلیم خدایی کند که آفریننده آسمان و زمین است». وی ادامه می‌دهد، خدای سبحان ابراهیم را به عنوان اولین کسی که خود را در حال نیکوکاری تسلیم خداوند کرده بود، خلیل خود گرفت (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ۵/۸۸). ذیل این آیه «وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا» (النساء/۱۲۵) روایتی نقل شده است که امام صادق (ع) علت اتخاذ ابراهیم توسط خداوند در جایگاه خلیل بودن را به جهت کثرت سجده‌های وی در زمین، حرف شنوی مطلق از خداوند و صلوات بر محمد و آل محمد (ص) بیان می‌دارد (صدوق، ۱۳۸۵ش: ۱/۳۴).

ب: نماد استقامت و پایداری در برابر ابتلائات: ابراهیم نزد خداوند جایگاهی بس ارجمند دارد و در همین راستا خداوند سخت‌ترین ابتلائات را نصیب وی کرده است. فراز «وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ» (البقره/۱۲۴) از مهمترین مراحل زندگی ابراهیم یعنی آزمایش‌های بزرگ و پیروزی اش در صحنه‌های گوناگون آن سخن می‌گوید. آزمایش‌هایی که او از تمام مراحل آن سربلند بیرون آمد (مکارم، ۱۳۷۱ش: ۱/۴۳۶). مجمع‌البیان، علت اعطای مقام امامت به ابراهیم را عزم راسخ در عملی کردن فرامین الهی و سرفرازی در امتحانات مختلف می‌داند (طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۱/۳۷۷).

ج: نماد مجاهد خستگی ناپذیر: یکی از چالش‌های پرمخاطره حضرت ابراهیم (ع) در طول حیات خود، هم سخنی وی با جناب آزر است. وی تلاش می‌کند تا دین توحیدی را برای او ثابت کند، اما آزر بر نمی‌تابد. آیه «وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ أَرَزَأْتَنِّخْذُ أَصْنَامًا آلِهَةً إِنِّي أَرَاكَ وَقَوْمَكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» نشانگر عمق تلاش ابراهیم برای آزر است که وی را متوجه انحرافش کند (الانعام/۷۴). طباطبایی این آیه را بیان عالی‌ترین و کامل‌ترین مصداق ایمان و قیام به دین فطرت و نشر عقیده توحید و پاکی از هر گونه شرک می‌داند و ابراهیم را انسان هدفمندی می‌داند که برای آن قیام و تلاش می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ۱۵۵/۷).

د: نماد جهادگر تبیین در مقابل انحراف: نمرود به خاطر قدرت و سلطنتی که خداوند به وی داده بود، دچار کبر و غرور شد و همین گستاخی او را به محاجّه با ابراهیم واداشته بود (طبرسی، ۱۴۱۲ق: ۱/۱۴۱). نمرود اولین جبار روی زمین است که ادعای ربّ بودن نزد مردم می‌کرد (سیوطی، ۱۴۰۴ق: ۱/۳۳۱). امام صادق (ع) ذیل روایتی، نمرود را از جمله افرادی می‌داند که در روز قیامت سرنوشتی جز اشدّ العذاب ندارد (حویزی، ۱۴۱۵ق: ۱/۲۶۶). حال ابراهیم در مقابل چنین فرد جسوری به مقابله و احتجاج درباره وحدانیت و ربوبیت برخاسته است (حقّی‌پرسوی، بی‌تا: ۱/۴۱۰). اینک به مناظره تبیینی ابراهیم و نمرود توجه نمایید: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِي حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّيَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا أُحْيِي وَأُمِيتُ قَالَ إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِي كَفَرَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» (البقره/۲۵۸)؛ ابراهیم روشننگری خود را چنین ابراز می‌دارد: پروردگارم کسی است که زنده می‌کند و می‌میراند وصف زنده کردن را آورد که غیر از خدا همه از آن عاجزند، سپس میراندن را ذکر کرد و آوردن این دو کلمه

برای بیان عاجز کردن نیست بلکه به مناسبت تضاد آن دو است، یا اینکه میراندن هم برای تعجیز است زیرا میراندن خارج کردن روح است بدون اینکه از کسی که می میراند فعلی نسبت به بدن میت یا روح آن صادر شود، و این نوع میراندن مخصوص خدای تعالی است، و اگر بیرون شدن روح از بدن به سبب فعل فاعلی صورت بگیرد آن قتل است نه میراندن (سلطان علی شاه، ۱۴۰۸ق: ۲۲۶/۱). نمرود نیز جوابیه ابراهیم را چنین می گوید: «من نیز زنده می کنم و می میرانم. سپس دستور داد دو زندانی را حاضر کردند، یکی را آزاد نمود و دیگری را دستور داد تا بکشند. وقتی ابراهیم این سفسطه و مغالطه را مشاهده کرد که این شخص چه برداشتی از زنده کردن و میراندن دارد و چگونه می خواهد افکار دیگران را منحرف کند، فرمود: خداوند طلوع خورشید را از مشرق قرار داده است، اگر تو ادعا داری که بر جهان هستی حکومت داری و همه چیز در اختیار و تحت قدرت توست، خورشید را از مغرب بیرون بیاور! آن موقع بود که نمرود مبهوت ماند و پاسخی جز سکوت نداشت (قرائتی، ۱۳۸۸ش: ۴۱۲/۱). مفسر کاشف، رویارویی ابراهیم و نمرود را تقابل حق و طاغوت می داند. هنگامی که ابراهیم مغالطه و شیطننت آن طاغوت را مشاهده کرد و دید که او با تکیه به تحریف لفظ نسبت به دلیل ارائه شده خود را به نفهمی می زند، نمونه دیگری از قدرت خداوند را که وی نمی توانست مغالطه کند و مدعی آن گردد متذکر شد و فرمود: «فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِي كَفَرَ» (همان)؛ این جا بود که طاغوت از تحریف و گمراه کردن ناتوان شد. آری، تمام باطل گرایان این چنینند که دلایل خود را با تقلّب و تدلیس تلفیق می کنند و هرزمان که نیرنگ آنان مؤثر نیفتد، کاملاً ناامید می شوند و سر تا پایشان را ترس و حیرت فرامی گیرد. برخی از مفسران گفته اند: ابراهیم از پاسخ نخست (خدای من زنده می کند و می میراند) به پاسخ دوم (خورشید را

از مغرب بیاور) عدول کرد تا جدال را به سرعت قطع و از طولانی شدن آن جلوگیری کند (مغنیه، ۱۴۲۴ق: ۱/۴۰۳). همچنین، وی مصداق «الظَّالِمِينَ» را کسانی می‌داند که با حق به ستیز و مجادله برخاسته‌اند (همان).

د: تمجید خداوند از ابراهیم(ع): خداوند منان در آیه «إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا وَلَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (النحل/۱۲۰)؛ ابراهیم را به صفات بدیعی متصف می‌کند. به نظر می‌رسد، کلمه «أُمَّةً» بهترین صفتی است که خداوند وی را بدان ستوده است. حال باید دید که ابراهیم چه خصوصیتی داشته که او چنین تجلیل شده است؟ مفسران نظرات مختلفی ارائه داده‌اند که به اختصار اشاره می‌شود: تفسیر مقاتل بن سلیمان ابراهیم را معلّم و امامی که به خیر اقتدا کرده می‌داند (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق: ۲/۴۹۶). مفسر دیگر، منظور از اُمّت بودن ابراهیم را طاهر بودن وی بیان کرده است (قمی، ۱۳۶۳ش: ۱/۳۹۱). ابن ابی حاتم ابراهیم را تسلیم بر خدا می‌داند و می‌گوید امتش نیز چنین بودند (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ق: ۷/۲۳۶۰). صاحب مجمع البیان، امت را به معنای فرد عالم گرفته است (طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۶/۶۰۳). ابن عربی، دلیل اتصاف کلمه مزبور به ابراهیم را به جهت اشتمال جمیع کمالات انسانی و اخلاقی از صفات خیر می‌داند و این امر را برای وی ذاتی دانسته است و چون به مردم زمانش سرایت داده، ابراهیم متصف بر امت شده است (ابن عربی، ۱۴۲۲ق: ۱/۳۷۰). امام کاظم(ع)، ابراهیم را در دنیا معبود خداوند بیان کرده و امت نیز از این جهت به وی اعطاء شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۲/۲۴۳). صاحب المیزان، مراد از این کلمه را امامی بیان می‌کند که به وی اقتدا می‌کنند و ابراهیم امتی بوده که تا مدتی یک فرد داشته و آن هم خودش بوده است، چون تا مدتی جز او شخص دیگری موحد نبوده است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ۱۲/۳۶۷).

از مجموع نظرات مفسران می‌توان چنین بیان داشت که ابراهیم(ع) بر مکتبی بود که جز او کسی نبود، پس یک امت بود (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق: ۱۶۱/۳) و معلم خوبی‌ها بود (حائری طهرانی، ۱۳۳۸ش: ۲۰۲/۶)، وی رهبر و مقصود تمام خدا پرستان بوده و شعاع شخصیت وجود او به اندازه یک امت بود (مکارم، ۱۳۷۱ش: ۴۴۸/۱۱)؛ زیرا قوام امت وابسته به او و عالم نیز بود، امتی را هدایت می‌کرد و در راه حق ترسید و یک تنه قیام کرد (قرائتی، ۱۳۸۸ش: ۵۹۷/۴).

در خصوص صفات «قَائِمًا» و «حَنِيفًا» نیز آرای مختلفی ارائه شده است. از نظر مفسر فی ظلال القرآن منظور از «قانت» یعنی طائع، خاشع و عابد در برابر خداوند و «حنیف» آن است که ابراهیم برای دین خدا تلاش فراوانش را دریغ نکرد (سید قطب، ۱۴۲۵ق: ۲۲۰۱/۴). امام کاظم(ع) در روایتی ذیل آیه مورد بحث، ابراهیم(ع) را خلیل و امتی می‌داند که فرمانبردار خداوند بوده و از هرگونه دین‌های باطل دوری جسته و به دین حق اسلام متمایل شده و هرگز از مشرکان به خداوند نیز نبوده است (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۶۱۷/۳).

۳-۲. هاجر؛ نماد ولایت‌مداری

اطاعت در لغت از ریشه «طوع» و به معنای فرمانبردار بودن (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ۲۱۰/۲) همراه با خضوع و رغبت است (راغب‌اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۵۲۹). مرحوم خویی، اطاعت را مقابل عصیان و به معنای موافقت واقعی مکلف با حکم خدا می‌داند (خویی، ۱۴۱۷ق: ۲۷/۲). در مفهوم ولایت نیز تعابیر فراوانی وجود دارد که نظر تجمیعی گروهی از لغویون درباره معنای ولایت، یعنی خویشاوندی، محبت، وراثت، نصرت و یاری کردن، سرپرستی و زمامداری است (ازهری، ۱۴۲۱ق: ۳۲۳/۱۵؛ ابن

منظور، ۱۴۱۴ق: ۴۰۷/۱۵؛ طریحی، ۱۳۷۵ش: ۴۵۵/۱). با درنظر گرفتن مجموع معانی دو واژه فوق می‌توان شخص ولایت مدار را فردی دانست که در تمام امورات به ولی مراجعه کرده و هم قدم وی در جهت رتق و فتق اموراتش اقدام می‌کند.

هاجر یکی از همسران ابراهیم و مادر اسماعیل است. داستان پر رمز و راز هاجر در زندگی ابراهیم در منابع اسلامی و ... به تفصیل آمده است که ذکر آن در حوصله این پژوهش نمی‌گنجد. نام هاجر در داستان قرآنی ابراهیم نیامده، اما منابعی محدود در دسترس قرار دارد. آیه «رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ» (الابراهیم/۳۷)؛ ناظر به هاجر و فرزندش و دستور هجرت آنان با ابراهیم به سوی مکه است. در این میان، پرسشی که ذهن را به خود وامی‌دارد این است که برای هاجر چه اتفاقاتی رخ داده که وی را نماد اطاعت محض از خدا و ولایت‌پذیر از ولی کرده است؟ در داستان ابراهیم، هاجر نقش زنی را دارد که پا به پای وی در حوادث و برخی ابتلائات سهیم است.

نازایی ساره و ازدواج ابراهیم با هاجر و فرزندآوری وی موجب اندوه شدید وی و تعارضاتی بین هاجر و ساره شده بود (قمی، ۱۳۶۳ش: ۶۰/۱)، خداوند متعال پس از درخواست ابراهیم مبنی بر نشان دادن راه حل برای آرامش دو همسرش با یکدیگر، او را به هجرت هاجر و فرزندش به مکه امر می‌کند (مقری فیومی، ۱۴۱۴ق: ۶۰/۱؛ کلینی، ۱۴۰۷ق: ۵/۱۳۵). المحاسن، علت مهاجرت ابراهیم، هاجر و فرزند خردسالش به بیابان لم یزرع مکه را اطاعت محض از امر همسرش می‌داند که وی نیز از جانب خداوند مامور به این امر شده بود (برقی، ۱۳۷۱ش: ۳۳۸۹/۲). منظور از بیابان «غَیْرِ ذِي زَرْعٍ» زمینی است که شایسته رویدنی ندارد و به نوعی شوره زار و ریگزار است

(طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ۷۶/۱۲). شما یک مادر و کودک را در این وادی تصور کنید که داری چه صعوبت عظیمی است. هاجر به دلیل طی مسافت طولانی در این بیابان خشک و سوزان به دنبال یافتن است. ثعلبی می‌نویسد، هاجر در میان دو کوه صفا و مروه ندا داد که آیا انیس و یآوری در این مکان وجود دارد، ولی هیچ گونه پاسخی نشنید و خود با سعی و تلاش مجدانه بین این دو کوه استوار به دنبال رفع حاجت خود و فرزندش برآمد (ثعلبی، ۱۴۲۲ق: ۳۲۲/۵). تفسیر غرائب القرآن ذیل «رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ» دلیل سکونت آنان در وادی فقر را تقرب به خدا، اقامه نماز و ذکر خداوند آورده (نظام الاعرج، ۱۴۱۶ق: ۱۹۹/۴)، علامه نیز سبب اختیار کردن این محل را در جهت عبادت خالص خداوند و عدم دل مشغولی همسر و فرزندش بیان کرده است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ۷۷/۱۲). با این اوصاف و بیان سیر کوتاهی از زندگی هاجر، به صراحت می‌توان او را شخصیتی مطیع در برابر اوامر الهی دانست. تبلور این اطاعت آن زمان معلوم می‌شود که وی با دستور همسرش که ولی خود و خداست، قصد مهاجرت به محلی غریب می‌کند. پس، اگر هاجر را نماد اطاعت محض از ذات باری تعالی و شخصیتی ولایت مدار بدانیم به بیراهه نرفته‌ایم.

۳-۳. اسماعیل(ع)؛ نماد بندگی و تسلیم محض

اسماعیل واژه‌ای غیرعربی و معرب «اشمایل» در سریانی بوده که بعدها به عربی وارد شده است (جفری، ۱۳۸۶ش: ۱۲۲). صاحب کتاب المعرب سبب این نام‌گذاری را دعای ابراهیم در هنگام درخواست فرزند از خداوند ذکر کرده که وی با دو کلمه «اشمع» و «ایل» که به معنای «خدایا درخواستم را اجابت کن» بیان کرده است (جوالیقی، ۱۹۹۵م: ۱۰۵). نام این پیامبر الهی، دوازه مرتبه در مصحف شریف ذکر شده

که یازده مورد آن مربوط به داستان ابراهیم و اسماعیل است که موضوعاتی از قبیل؛ تولد وی به عنوان عطیه‌ای الهی (الابراهیم/۳۲)، نزول وحی به او و ذکر نام ایشان در کنار دیگر پیام‌آوران حق (البقره/ ۱۳۳-۱۳۶-۱۴۰)؛ (آل عمران/۸۴)؛ (النساء/۱۶۳)؛ (الانعام/۸۶)، بنای کعبه (البقره/۱۲۷) و نیز بیان برخی صفات پسندیده وی (الانبیاء/۸۵)؛ (ص/۴۸) ذکر شده است.

اولین رویارویی اسماعیل در این داستان، مهاجرت وی به همراه مادرش به سرزمین سوزان مکه به دستور الهی است که نمادسازی آن در بخش قبل گذشت. در حقیقت، می‌توان در همان کودکی در اسماعیل رگه‌های یاری و تحمل دشواری‌ها را یافت. در ذیل این قسمت باید این نکته را اضافه کرد که آن زمان که مادر اسماعیل در پی یافتن آب برای فرزند بود به امر الهی در زیر پای اسماعیل چشمه جوشانی از آب گوارا پدید آمد که موجب شادمانی و خرسندی مادر شد. اکنون این چشمه معروف به زمزم است (طبری، ۱۴۰۷ق: ۴۸/۱). آب زمزم را باید نماد لطف الهی، برکت و روشنایی دل دانست و آن بهترین آب در زمین است (برقی، ۱۳۷۱ش: ۵۷۳/۲).

از دیگر حوادث مهم دوران این نبی الهی، همراهی پدر در بنای کعبه است. آیات قرآن اسماعیل را در برپایی بیت الله و زدودن پلیدی در معیت پدرش ستوده است (البقره/ ۱۲۷-۱۲۵). شخصیت اسماعیل در این فضای حیاتش را باید دستیاری و کمک‌رسانی به پدر کهن سال خود توصیف کرد. نکته جالب توجه در این آیات اعطای نقش پیراستن خانه خدا به آنان است. مفسران ذیل این بخش از آیه نظرات مختلفی ارائه داده اند که صاحب کتاب ارشادالاذهان آن را صرف پاکیزه ساختن ظاهری از ناپاکی نمی‌داند؛ بلکه مراد از آن تطهیر نفس ابرار در برابر نفوس چرک‌تاب کفار و مشرکین است که باید از لوث آنان خانه کعبه تطهیر شود (سبزواری، ۱۴۱۹ق: ۲۴/۱).

در نتیجه، اسماعیل را می‌توان نماد یاری در پاک‌سازی ظواهر و بواطن مشرکانه و کافرانۀ دانست (طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۳۸۲/۱).

آخرین برهه زندگی اسماعیل مواجهه وی با درخواست ذبح خود توسط پدر به امر الهی است. به‌طور طبیعی هر انسانی در قبال شنیدن این مطلب حق ترس و حتی امتناع دارد که شیرین‌ترین چیز که جانش است را در جوانی از دست بدهد. تعبیر خداوند سبحان در قرآن در خصوص مواجهه اسماعیل در مقابل این درخواست بسیار دارای ظرافت است. پرسش ابراهیم از فرزند این است که پسر بنگرد در قبال این وحی الهی پایدار است یا سست؟ (طبرسی، ۱۴۱۲ق: ۴۱۶/۳). عبارت «قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ» (الصافات/۱۰۲) نشان از ذوب بودن اسماعیل در ذات الهی است که بلافاصله پس از درخواست پدر وی او را اجابت می‌کند و با ابراز صبوری به وی دل‌داری می‌دهد. نگارنده التبیان، ذیل فراز «سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ» مقصود از صبر را رضایت قلبی و خالصانه اسماعیل بر شتدائد و تسلیم بودن در برابر امر الهی ذکر کرده است (طوسی، بی‌تا: ۵۱۷/۸). با انجام امر الهی به ذبح، ابراهیم و فرزندش از این ابتلای الهی سربلند شدند. سرفرازی اسماعیل در این واقعه و قرارگیری وی در مقام مذبوح همان بلیه الهی است که اسماعیل با صبر و مقاومت در برابر تمام سختی‌ها بر آن چیره شد (ابن جوزی، ۱۴۲۲ق: ۵۴۶/۳). در نهایت، اسماعیل همان جوان برومند و استواری است که پس از تحمل شتدائد با اعطای مقام نبوت از جانب حق تعالی، وی در زمره پیامبرانی قرار گرفت که از هیچ تلاشی در دعوت به دین توحیدی دریغ نکرد و در مقابل هر گونه شرک و بت‌پرستی ایستاد (ابن هشام، بی‌تا: ۷۹/۱).

۳-۴. اسحاق(ع)؛ نماد امید و بصیرت

اسحاق از پیغمبران الهی و فرزند ابراهیم و ساره (هود/۷۱) است که در سرزمین فلسطین دیده به جهان گشود (شوقی، ۱۳۵۸ش: ۵۳). اسحاق ریشه در زبان عبری

دارد و به معنای خندان است (مصطفوی، ۱۴۰۲ق: ۷۰/۵). ولادت وی را پنج تا سیزده سال پس از برادرش دانسته‌اند (مسعودی، ۱۳۸۴ش: ۴۲-۴۱) و ابراهیم هنگام تولد او بیش از صدسال و مادرش ساره نود سال داشته‌اند (همان، ۴۶). طبق نقل المزار، اسحاق در سن ۱۸۰سالگی از دنیا رفت و در نزدیکی بیت‌المقدس به خاک سپرده شد (قزوینی، ۱۴۲۶ق: ۸۶/۱).

اسحاق نبی از پیامبرانی است که نام و داستانش در قرآن ذکر شده است و آیات مختلفی ناظر بر نبوت وی است؛ از جمله: اعطای شریعت به اسحاق (الانعام/۸۹)، نزول وحی به او (النساء/۱۶۳) و... در مجموع، نام او در قرآن ۱۷بار در ۱۲سوره آمده است (شوقی، ۱۳۸۹ش: ۵۴). پیگیری داستان اسحاق در این قسمت ناظر به ولادت ایشان (هود/۷۱؛ حجر/۵۳؛ ذاریات/۲۹) در سنین کهنسالی و در کمال ناامیدی والدین اوست. خداوند منان در سوره مبارکه هود، پیش از تولد وی، بشارت فرزند را به پدر و مادر می‌دهد. طبق ترتیب سور به سراغ بررسی سوره هود می‌رویم. شرح آیات از آن‌جا شروع می‌شود که ملائکه برای مجازات قوم لوط آمده بودند و در این اثنا به خانه ابراهیم رفتند تا بشارت فرزند را بدهند. ابراهیم با مشاهده مهمانان اقدام به تهیه طعام مناسب کرد که تعبیر قرآن «بِعَجَلٍ حَنِیذٍ» (هود/۶۹) به معنی گوساله بریان است، اما آنان به غذا دست نزدند و دل صاحب خانه را ترس فرا گرفت (همان/۷۰) و پس از آن بشارت فرزند به ابراهیم و ساره داده می‌شود. تعبیر قرآن از این لحظه زندگی ابراهیم این است که همسرش با شنیدن مژده فرزنددار شدنش به خنده آمد (همان/۷۱). منظومه تحلیلی آیات ذیل این حادثه ما را به جهتی سوق می‌دهد که امیدی در دل ابراهیم و ساره نبوده است؛ زیرا آن زمان که بشارت دریافت شد، بدون توقف، ساره از پیری خود و همسرش متعجب می‌شود که چطور ممکن است فردی با

این کهولت سن فرزنددار شود؟ طبری و دیگران عبارت خنده ساره را خنده ظاهری بر لب نمی‌دانند، بلکه آن را تعجب‌کردن بیان کرده است (طبری، ۱۴۰۷ق: ۴۳/۱۲؛ قشیری، ۲۰۰۰م: ۱۴۷/۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۲۷۳/۵)؛ برخی دیگر «فَضَحِكْتُ» را به معنای حیض آورده‌اند و مراد از بشارت به فرزند را در هنگام حیض شدن زن ابراهیم بیان کرده‌اند (قمی، ۱۳۶۳ش: ۳۳۴/۱؛ ابن قتیبه، ۱۴۱۱ق: ۱۷۸/۱؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲ق: ۱۸۸/۳). طباطبایی نیز بر همین معنا صحه گذاشته است و معتقد است که قرآن با ذکر این خبر خواسته بفهماند که او آن چنان مایوس از حامله شدن بود که حتی تصوّرش را هم نمی‌کرد که در این سن حیض شود (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ۳۲۳/۱۰)؛ وی ادامه می‌دهد که ساره با شنیدن این خبر در تعجب فراوان فرو رفت (همان) و امام صادق (ع) نیز همین معنا را تأیید کرده‌اند (عیاشی، ۱۳۸۰ق: ۱۵۲/۲). برخی نیز آن را خنده ظاهری و سرور معنا کرده‌اند (جمال‌الدین، ۱۴۴۰ق: ۲۰۹/۱۳) که بعید است چنین باشد؛ زیرا شرح حال این واقعه در سوره ذاریات نیز بیان شده که به جای «فَضَحِكْتُ»، «فَصَكْتُ» آمده است و اغلب مترجمان آن را متعجب ترجمه کرده‌اند. شاهد مثال ما آیه «فَأَقْبَلَتِ امْرَأَتُهُ فِي صَرَّةٍ فَصَكَّتْ وَجْهَهَا» (ذاریات/۲۹) است که دو مرتبه خداوند متعال اشاره به تعجب و ناامیدی در این زن و مرد دارد. به طور طبیعی، انسان هنگامی فریاد می‌کشد که ناگهان یک خبر هولناکی را به او برسانند یا از روی درماندگی و ناامیدی باشد. در این هنگام است که فرد به صورت غریزی دست بر صورت یا پاهای خود می‌زند و این حالتی مرسوم در این لحظه است. حال خداوند با بشارت فرزند به ساره و ابراهیم، این حالت مایوس بودن را تداعی می‌کند. آیه اشاره دارد که همسر ابراهیم با دریافت خبر بارداری، از شدت تعجب فریاد زده و با دست به صورت خود می‌زد (سیواسی، ۱۴۲۷ق: ۱۴۷/۴)، کتاب *مالی/المرتضی* نیز آن را لطمه

با دست به صورت زدن آورده است (علم الهدی، ۱۹۹۸م: ۱۶۸/۲). البته، این حالت در زنان امری شایع است و به نوعی عمومیت دارد که صاحب فی ظلال آن را عادت زنان بیان کرده است (سیدقطب، ۱۴۲۵ق: ۳۳۸۳/۶). علامه بزرگوار در المیزان آن را سیلی بر صورت زدن آورده و در وصف حالت ناامیدی ساره می گوید: «معنای آیه این است که چگونه ممکن است زنی در پیری فرزند دار شود؟» (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ۳۷۸/۱۸). این واقعه در سوره حجر نیز مطرح شده است و نکته قابل توجه، اطلاق صفت علیم به اسحاق است و خداوند در دو سوره ذاریات و حجر بشارت فرزند را به دارا بودن این صفت متصف کرده است. مترجمان آن را دانا ترجمه کرده اند؛ صاحب کتاب من و حی القرآن آن را فردی می داند که دارای معرفت واسعه است (فضل الله، ۱۴۱۹ق: ۱۶۸/۱۳)؛ شربینی نیز آن را علم فراوان بیان کرده (خطیب شربینی، ۱۴۲۵ق: ۲۳۶/۲)، و در جمع بندی می توان گفت که علیم به معنای فردی دانا به تعلیم وحی الهی، دارای حکمت و بالغ است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ۱۸۰/۱۲)؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸ش: ۱۴۱/۷). با عنایت به مطالب مطروحه باید چنین ابراز داشت که فضای حاکم در این واقعه نوعی امید در عین ناامیدی است؛ درحالی که وزنه ناامیدی در واقعه اندکی بیشتر است، اما مژده خداوند حکیم، این ناامیدی را ابتدا به تعجب، واکنش به آن با زدن بر صورت و ضجه و تبدیل آن به باور قلبی به امید و سرور مبدل کرده است.

اسحاق پیامبری است که همانند جدّ خود به دعوت دین الهی پرداخته است. قرآن کریم ضمن آیاتی برخی از تکالیف شخصی و مسئولیت های اجتماعی وی را اشاره کرده است که می توان از جمله آنان به انذار و تبشیر قوم (النساء/۱۶۵-۱۶۳)، انجام کارهای خیر، اقامه نماز و پرداخت زکات (الانبیاء/ ۷۳-۷۲) اشاره کرد. اوصافی نیز برای وی نام برده شده که بیانش خالی از لطف نیست. خداوند اسحاق را به

اوصافی همچون قدرت و بصیرت (ص/۴۵)، خلوص در ذکر آخرت (همان)، اهل عبادت، امام و اسوه دیگران (الانبياء / ۷۲-۷۳) و الگوی هدایت (الانعام/ ۸۴) متصف کرده است. این آیات نشان‌دهنده آن است که انبیاء الهی اهل انزوا نبوده و همگان در میدان‌های مختلف در حال نقش‌آفرینی بوده‌اند. مسئله‌ای که در این بخش حائز اهمیت بوده، قدرت بصیرت و تجزیه و تحلیل امور توسط اسحاق است که باید این فضیلت را شاخصه برتری اسحاق قرار داد. شاهد مثال ما آیه «وَأَذْكُرُ عِبَادَنَا إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ أُولَى الْأَيْدِي وَالْأَبْصَارِ» (ص/۴۵) است که خداوند نام چند تن از انبیاء را برده و قدرت در دست و بینایی در چشم را ذکر کرده است. /بی‌زمین، پایداری در امر الهی را قدرت دانسته (ابن‌ابی‌زمین، ۱۴۲۴ق: ۲/۲۳۳) و مجمع‌البیان مراد از ابصار را بینایی در دین ذکر کرده است (طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۸/۷۴۹). مولف تفسیر کاشف، مقصود از «اولی الایدی» را کسانی می‌داند که بر انجام کارهای شایسته از توان و نیرو برخوردارند و ابصار را کنایه از شناخت دین خدا نوشته است (مغنیه، ۱۴۲۴ق: ۶/۳۸۲). با این بیان باید یکی از ویژگی‌های رهبر جامعه را توانایی و نیروی تحلیل و شناخت دین و ابعاد مختلف آن دانست. قرآنی ذیل این آیه می‌نویسد: «رهبر باید دارای قدرت و بصیرت باشد» (قرائتی، ۱۳۸۸ش: ۸/۱۱۷). نظر مفسر بزرگ قرآن، علامه طباطبایی، ذیل این آیه دلنواز است: «انبیای نام‌برده دارای ایدی و ابصارند و آن هنگام کارایی دارد که دست و چشم انسان باشد و در مواردی استعمالش نماید. علامه عدم بهره‌وری از این شاخص‌ها را به دور از انسانیت دانسته و آن‌را ورود در دایره حیوانی تفسیر می‌کند. وی ادامه می‌دهد؛ شخص باید دست و چشم خود را در راه انسانیت خود به خدمت گرفته باشد و خیر به سوی خلق خدا جاری کرده باشد و با چشم خود راه‌های عافیت را از موارد هلاکت تمییز داده و به حق رسیده باشد، نه

اینکه حق و باطل برایش یکسان و مشتبه شده باشد» (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ۲۱۱/۱۷). بنابراین، اسحاق را باید نماد قوت و بصیرت در دین و شناخت حق و باطل دانست. در پایان این بخش، اشاره‌ای مختصر به ساره مادر اسحاق دور از لطف نیست. در قرآن، نام بانوان تاثیر گذار مانند همسران فرعون، آدم، زکریا، مادر و خواهر موسی به کنایه اشاره شده است. نام ساره به صورت مجزا در قرآن نیامده و داستان وی، ذیل داستان ابراهیم ذکر شده است و او را بانویی معرفی می‌کند که همواره پشتیبان همسر خود بوده است؛ مادر پیامبران از نسل اسحاق، خواهر لوط نبی، همسر اول ابراهیم، مادر اسحاق و بیش از پانصد پیامبر تا عیسی (ع) (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۳۲/۱۱) برخوردار از جایگاه والا، زبانزد همگان بوده و از وی به نیکی یاد کرده‌اند. در جوار تعاریف متعدد، روایاتی دال بر حسادت، کینه و... درباره ایشان نیز صادر شده که به نظر صحت و سقم آن محل تحقیق است (صدوق، ۱۳۸۵ق: ۳۵/۱). براساس آیات و روایات، ساره دارای مقام تحدیث بوده (همان، ۱۸۳/۱) که با ملائکه گفتگو می‌کرده است. امام کاظم (ع) در روایتی، ساره را مسئول تربیت فرزندان شیعیان در بهشت می‌داند (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۱۰۸/۱۰۸). با این اوصاف، ساره نماد وقار و اطمینان در فراز و نشیب‌های زندگی است. نکته قابل تامل در این میان، عدم توجه اندیشمندان و مؤلفان کتب روایی و مراکز تخصصی زنان به شخصیت پردازی ساره بر اساس قرآن-کریم است (جوادی آملی، ۱۳۸۷ش: ۱۱۸-۱۱۷).

۳-۵. نمرود؛ نماد استکبار

نمرود بن کنعان، پادشاه بابل در دوران ابراهیم (ع) بوده است. وی را پسرعموی آزر دانسته‌اند (بلعمی، ۱۳۷۸ش: ۸۸۲/۲). در برخی منابع از وی به نام فرعون ابراهیم یاد

شده (دینوری، ۱۳۷۱ش: ۳۱) و ایرانیان به نمرود لقب فریدون داده‌اند (همان). درباره مدت پادشاهی نمرود گزارش‌های متعددی رسیده که بیشترین آن ۴۰۰ سال است (ابن کثیر، ۱۴۰۷ق: ۱/۱۴۸).

یکی از اقدامات شوم و فاجعه‌آوری که در دوران سلطنت نمرود رخ داد، کشتن نوزادان بود (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۸/۳۶۷). طبق اقوال تاریخی، نمرود پس از گزارش منجمان و کاهنان خود مبنی بر تولد پسری در بابل که فرمانروایی او را به خطر خواهد انداخت و با بت پرستی مبارزه خواهد کرد (ابن خلدون، ۱۳۶۳ش: ۱/۳۲). دستور داد تمام زنان باردار را جمع کنند و در صورتی که نوزادشان پسر بود آنان را از دم تیغ بگذرانند (یعقوبی، ۱۳۷۱ش: ۱/۲۲؛ طبری، ۱۳۷۵ش: ۱/۱۷۳). اوج نفرت از این اقدام آنجا مشخص می‌شود که نمرود در مدت چهل سال، هفت هزار کودک بی‌گناه را از خوف آن که یکی از آنان ابراهیم باشد، کشت (جوزجانی، ۱۳۶۳ش: ۱/۲۷). این حوادث در زمان نمرود چه شباهت‌های فراوانی با حال دارد. امروزه، رژیم غاصب صهیونیستی با تحکم بر منطقه فلسطین و با تاسی از نمرود و فرعونیان گذشته خود با ابراز ظلم به ملت‌ها و با راه اندازی انواع جنگ‌های متعدد، کودکان و مردمان بی‌سرپناه را بمباران می‌کند (خمینی، ۱۳۷۸ش: ۱۶/۳۷۸). صفت رژیم کودک‌کش برای این دست نشاندۀ آمریکا زبانزد خاص و عام است.

نمرود فردی بت پرست بوده و با دعوت ابراهیم به یکتاپرستی مخالفت می‌کرد. وی نخستین شخصی بود که با سرمستی و کبر در زمین ادعای ربوبیت کرد (فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ۷/۲۰). همچنین، او اولین کسی است که به محاجّه و ستیز لفظی درباره ذات خداوند پرداخت (جزائری، ۱۳۸۱ش: ۱۸۷). نحوه و محتوای احتجاج وی با ابراهیم در بخش ابتدایی پژوهش گذشت و از ذکر آن در این قسمت صرف نظر می‌گردد. عطف

به این مطلب، به آتش افکندن ابراهیم به دلیل شکست وی در مناظره است (الانبیاء/۶۸) که نشان از عجز اوست.

در برخی منابع تاریخی به پرواز نمرود برای یافتن خدای ابراهیم به آسمان‌ها اشاره شده است که او با پرورش عقاب‌ها و بستن صندوقی به پای‌شان به آسمان رفت و بر اثر ارتفاع زیاد و پیدا نکردن خدای ابراهیم به زمین افتاد (طبری، ۱۳۷۵ش: ۲۱۸/۱-۲۱۷). بلعمی ادامه داستان را چنین می‌گوید: «پس از ناامید شدن نمرود، فرشته‌ای به صورت انسان نزدش آمد و او را نصیحت به یکتاپرستی کرد و به او گفت که با خدای یکتا ستیزه مکن؛ زیرا تو ضعیف‌ترین بنده خداوند هستی» (بلعمی، ۱۳۷۸ش: ۱۵۰/۱-۱۴۹). نمرود که در باد غرور خود به سر می‌برد، خداوند پشه‌ای را بر وی مسلط کرد و او را گزید و نمرود که قصد دورکردن آن‌را از خود داشت، به داخل بینی اش رفته و او را دچار گیجی کرد. نمرود تا چهل شب در عذاب بود و در نهایت از دنیا رفت (مرعشی‌نجفی، ۱۳۸۵ش: ۲۱). امام یازدهم (ع) در روایتی، نمرود را شرّترین افراد پس از ابلیس دانسته‌اند (حسن‌بن‌علی، ۱۴۰۹ق: ۳۰۲)؛ روایت دیگری نیز نمرود را در طبقات آتش دوزخ بیان کرده است (ابن‌ابی‌زینب، ۱۳۹۷ق: ۱۰۱). بنابراین، نمرود را باید نماد غرور کاذب و سرمستی در زمین، نوزاد و کودک‌کشی، متوهم در سلطه و ظالم دانست.

آزر در زمره منجمان نمرود بوده و همان کسی است که تولد ابراهیم را پیشگویی کرده است (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۳۶۶/۸)، وی را پسرعموی نمرود گفته‌اند (بلعمی، ۱۳۷۸ش: ۸۸۲/۲)، او بت‌پرست بوده (مکارم، ۱۳۷۱ش: ۳۰۷/۵-۳۰۳) و در اشعار فارسی به بت‌پرستی او اشاره شده است (انصاری، ۱۳۸۲ش: ۲۶).

در قرآن به رفتارهای آزر با ابراهیم (ع) اشاره شده است که عبارتند از: تعجب از عقاید توحیدی ابراهیم (مریم/۴۲)، تهدید وی به سنگسار که نشان از دشمنی آزر دارد

و برخورد مودبانه ابراهیم (همان / ۴۷-۴۶)، دورراندن از خانه (همان)، ناتوانی در احتجاج (همان / ۴۳-۴۱) و تحمیل عقیده. با این شرایط، ابراهیم(ع) در پی استغفار و درخواست آمرزش وی از سوی خداوند است (الشعراء/ ۸۶)، (التوبه/ ۱۱۴)؛ در صورتی که آزر و قوم ابراهیم شایسته این آمرزش خواهی نبودند (الممتحنه/ ۴). همچنین، در آیات ردائلی نیز برای آزر ذکر شده است که می‌توان از جمله آنان به اطاعت از شیطان (مریم/ ۴۴)، بت پرستی (الزخرف / ۲۷-۲۶)، اعتکاف در کنار بت‌هایش (الشعراء/ ۷۱)، جهل (مریم/ ۴۳)، دشمنی با خدا (التوبه/ ۱۱۴) و گمراهی خود و قومش (الانعام/ ۷۴) اشاره کرد. در نتیجه، آزر و پیروانش را می‌توان نماد گمراهی، پیروی کورکورانه از طاغوت و عدم حق‌پذیری دانست.

۳-۶. قوم ابراهیم؛ نماد ارتجاع و تعصب

قوم در لغت به معنای جماعت مردم است (راغب‌اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۶۹۳). قوم ابراهیم افرادی مشرک و بت‌پرست بوده‌اند و با وی مناظرات و احتجاجات فراوانی داشتند و سرانجام نیز با هلاکت الهی عذاب شدند (طبری، ۱۳۷۵ش: ۱/ ۱۴۶-۱۴۳). قوم ابراهیم با توجه به سابقه پدران‌شان بر پرستش بت، آنان نیز خود را وفادار به این عادت غلط می‌دانستند. علت مقاومت آنان در برابر دعوت ابراهیم به یکتاپرستی، ارزش‌گذاری به آداب نیاکان‌شان بوده است (الانبیاء/ ۵۳-۵۲). مفسر کنزالدقائق، ذیل آیه «قَالُوا وَجَدْنَا آبَاءَنَا لَهَا عَابِدِينَ» (همان)، قوم ابراهیم را مقلدان پیشینیان خود ذکر کرده (قمی‌مشهدی، ۱۳۶۸ش: ۸/ ۴۲۴) و نقل دیگری آنان را اقتداکننده به آداب سلف آورده است (شبر، ۱۴۰۷ق: ۴/ ۲۰۲). قرائتی، عادت‌های ناپسند قوم ابراهیم را باطل و از منکرات دانسته و پدران بی‌بصیرت را زمینه ساز انحراف در نسل خود می‌داند

(قرائتی، ۱۳۸۸ش: ۴۶۱/۵). بنابراین، چنین رفتارهای کج‌مدارانه را باید نماد ارتجاع و ضلالت یک قوم برشمرد (ابوحیان، ۱۴۲۰ق: ۴۴۲/۷). همچنین، ریشه‌های ارتجاع را می‌بایست در جمود فکری و عقاید متعصبانه ریشه‌یابی کرد و قوم ابراهیم از این مطلب نیز خالی‌الذهن نبوده‌اند. طاغوت همواره با برانگیختگی تعصبات و عواطف مذهبی در پی پاشیدگی شیرازه ملت‌ها بوده و قوم ابراهیم آن را به منصفه ظهور رسانده‌اند (الانعام/۸۰). تعصب در عقاید شرک‌آلود آنان تا آنجا پیش رفته که مفسر بزرگ اهل- سنت آن را دشمنی با ابراهیم می‌داند (سیوطی، ۱۴۰۴ق: ۲۶/۳). باطل بودن پرستش غیرخدا با دلایل کوبنده منطقی و عقلی از سوی ابراهیم برای قومش بیان شد، اما آنان هرگز دست از افکار بی‌پایه‌شان برنداشتند (مغنیه، ۱۴۲۴ق: ۲۱۶/۳). صاحب تفسیر نمونه، انتهای بی‌مرز این تعصبات را تا آن‌جا می‌داند که قوم او به وی اصرار کرد تا به پرستش بت‌هایشان روی آورد، در حالی‌که ابراهیم با شهادت تمام در مقابل‌شان ایستادگی کرد (مکارم، ۱۳۷۱ش: ۳۱۸/۵).

۳. نمادپردازی از وقایع و عوامل طبیعی

در داستان ابراهیم(ع)، وقایعی مانند بنای کعبه، به آتش افکندن، شکستن بت‌ها و... و عوامل طبیعی همچون؛ ماه، خورشید، ستاره و آب به زیبایی و بلاغت تمام نمادسازی شده‌اند:

۴-۱. کعبه؛ نماد توحید و وحدت امت

در قرآن آیاتی ناظر به بنای کعبه بیان شده است (البقره/۱۲۷؛ آل عمران/۹۶؛ ابراهیم/۳۷؛ الحج/۲۶) و مفسران در تایید اولین شخص بناکننده آن اختلاف کرده‌اند که قصدمان ورود به بررسی آن نیست، اما در اینکه ابراهیم و فرزندش در بنا یا بازسازی کعبه نقش مهمی داشته‌اند، مورد اتفاق فریقین است (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق: ۴۹۶/۲؛

زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۱/۱۸۷). پس از بازسازی این مکان مطهر، خداوند به ابراهیم دستور به جای آوردن حج می‌دهد (الحج/ ۲۹-۲۸) و از آنجاست که تاکنون این حماسه ابراهیمی سرلوحه موحدان جهان قرار گرفته و هرساله افراد مختلفی با هر رنگ و چهره به صورت آراسته و متحد حول محور کعبه گرد هم جمع می‌شوند. این فرضیه عبادی موجب محکم شدن پیوندها و تفاهم بیشتر بین مسلمین است (مطهری، ۱۳۸۴ش: ۳۹/۲۵). در تایید این مطلب باید گفت که پیامبر(ص) افرادی را مأمور می‌کردند تا با صدای رسا اعلان موعده حج کنند تا عموم مردم در این مراسم عبادی سیاسی مجتمع شوند (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۴/۲۴۵). بنابراین، کعبه و مراسم حج، نماد وحدانیت و همدلی امت اسلام است.

نکته مرتبط با این بخش، آیه مربوط به مقام ابراهیم است (البقره/ ۱۲۵؛ آل عمران/ ۹۷). در این باره، روایاتی دال بر جنس سنگ موجود و آن مقام مقدس بیان شده است (صدوق، ۱۳۸۵ش: ۴۲۳). اهمیت این مکان بسیار است و فقه‌های شیعه دستور اقامه نماز داده‌اند (حمیری، ۱۴۱۳ق: ۳۱۶). راز تاکید به جای آوردن نماز، تأسی به ابراهیم و قدم بر قدم وی گذاردن است. قیام در مقام ابراهیم در واقع نماد «قیام لله» است؛ یعنی برخاستن بر علیه شرک و کفر و تحقق آیین توحیدی در هر زمان و مکان تا آنجا که پیامبر(ص) نیز مأمور به موعظه مردم شد و آن قیام‌الله بود «قُلْ إِنَّمَا أَعْظُمُ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ» (سبأ/ ۴۶).

۴-۲. صفا و مروه؛ نماد پاسداشت از شعائر الهی

صفا و مروه نام دو کوهی است که در ضلع شرقی مسجدالحرام، روبروی یکدیگر قرار داده شده‌اند (جعفریان، ۱۳۸۱ش: ۱۰۷-۱۰۵). در قرآن از این دو کوه نام برده شده و

به سعی بین آن تصریح شده و از شعائر الهی شمرده شده است «إِنَّ الصَّافَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ» (البقره/۱۵۸). در روایات، پیشینه تاریخی این مکان به زمان هبوط آدم و حوا (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۴۴/۹۶) و جستجوی آب توسط هاجر برای اسماعیل بیان شده است (ازرقی، ۱۴۱۶ق: ۱/۱۱۹). تاکید خداوند بر شعائر بودن صفا و مروه مبتنی بر پاک سازی عقاید مسلمانان مبنی بر عدم انجام آن به جهت رسم جاهلیت بوده است که خداوند آن را با صراحت جزو شعارهای اختصاصی اسلام معرفی می‌کند (مغنیه، ۱۴۲۴ق: ۱/۲۴۵). در معنای کلمه شعائر، مفسران اغلب آن را به نشانه تفسیر کرده‌اند (یزیدی، ۱۴۰۵ق: ۱/۸۵؛ طبرسی، ۱۴۱۲ق: ۱/۹۲)، اما نظر دانشمند اهل سنت در میان چشم‌نواز است که آن را علامت دینداری و عبادت بیان کرده است (طبرانی، ۲۰۰۸م: ۱/۲۷۳). صاحب کتاب بیان السعاده نیز همین نظر را تایید کرده و آن را به معنای سنتی با عظمت در اسلام یاد کرده است (سلطان‌علی‌شاه، ۱۴۰۸ق: ۱/۱۵۷). گویی خداوند در پی هویت‌بخشی به مسلمین بوده و به صراحت از آنان می‌خواهد که مباد این مکان را مانند مشرکان جاهلی پندارند و از اهمیت آن بکاهند (مکارم، ۱۳۷۱ش: ۱/۴۳۶). شعائر در واقع همان عبادات گروهی است که نشان دهنده ایمان راسخ به خداوند است (صادقی تهرانی، ۱۴۱۹ق: ۱۰۶). در معارف اسلامی، مناسکی همچون: حج، نماز جمعه و جماعت، حضور در اعتاب مقدسه معصومین، اذان و... از شعائر الهی به حساب می‌آیند (جصاص، ۱۴۰۵ق: ۵/۷۸؛ بروجردی، ۱۳۶۶ش: ۴/۳۹۶؛ همچنین، امروزه می‌توان اربعین، تجمعات دینی و سیاسی و... را مصداق آن دانست.

۳-۴. اجرام آسمانی؛ نماد برهان مستدل

قوم ابراهیم افرادی حس‌گرا بوده و به پرستش اجرام آسمانی افتخار می‌کردند. آنها ماه، ستاره و خورشید را خدایان خود دانسته و از این طریق با ابراهیم به احتجاج پرداختند

(الانعام/۷۸-۷۶). این آیات به طور مشروح استدلال ابراهیم را از افول و غروب ستاره و خورشید و عدم الوهیت آن‌ها را نمایان می‌سازد (مکارم، ۱۳۷۱ش: ۳۰۹/۵). بنابراین، باید این مخلوقات خداوندی در آسمان را نماد برهانی قوی دانست که ابراهیم به واسطه آن پاسخ قوم‌اش را داد و خداوند یگانه را به آنان معرفی کرد و عقاید شرک‌آلودشان را پاک گرداند (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق: ۱۷۹/۹).

۴-۴. بت؛ نماد طاغوت و تبر؛ نماد مبارزه

یکی از امتیازهای ویژه ابراهیم در آیات قرآن، بت‌شکنی است (الانبیاء / ۵۸-۵۷). ابراهیم در میان افرادی اقدام به این عمل کرده که آنها امتی نیرومند، داری شوکت و متعصب نسبت به بت‌هایشان بوده‌اند (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ۲۹۹/۱۴). آیات قرآن خبر از هوشمندی و برنامه‌ریزی خلاقانه برای این اقدام توسط ابراهیم دارد (الانبیاء/۵۷). وی پس از طرح ریزی، با انگیزه خردکردن مظاهر شرک و طاغوتی وارد بت خانه شد. المیزان؛ صبر ابراهیم بر خروج مردم شهر و شکستن بت بزرگ را همان نقشه تدبیری او بیان کرده (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ۲۹۹/۱۴)؛ در حالی که صاحب تفسیر نور معتقد است این بیان در اوصاف ابراهیم که فردی مبارز و ترس بود، بعید به نظر می‌رسد (قرائتی، ۱۳۸۸ش: ۴۶۴/۵). به هر صورت، این اقدام انقلابی ابراهیم نزد همگان مورد تاکید است. در واقع، بت را باید نماد شرک و طاغوت دانست و مانند ابراهیم برای مبارزه با نمادهای طاغوتی زمان با برنامه‌ریزی و آگاهی قیام کرد. حال باید دید که ابزار مبارزه با دشمن چیست؟ ابراهیم برای درهم‌شکستن مظاهر غیرتوحیدی از ابزاری به نام «تبر» بهره جسته است و پس از اتمام کار آن را بر دوش بت بزرگ قرار داده تا بطلان عقاید مردم را نشان دهد (مطهری، ۱۳۸۴ش: ۳۱۹/۳). امروزه، بت برای

شکستن دشمنان کارایی ندارد؛ زیرا کارکرد خود را از دست داده است و باید از شگردهای به روز و زمین گیرکننده بهره برد. عناوینی همچون، جهاد تبیین (سیدرضی، ۱۴۱۴ق: خ ۱۸۳)، تفکر و اندیشه (النور/۴۴)، رسانه و تبلیغ (النساء/۶۳)، هنر (غافر/۶۴)، قلم (العلق/۴)، علم آموزی (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق: ۳۱۹/۲۰)، تقویت مبانی دینی و انقلابی (آل عمران/۱۲۰)، تقوا و بصیرت (لثی واسطی، ۱۳۷۶ش: ۳۳۸) و... ابزارهای پیشرفته برای مبارزه با دشمن خواهد بود. در نتیجه، خصیصه اصلی ابراهیم، شخصیت انقلابی و مجاهد وی در تمام عرصه های زندگی است. تطابق این مطلب را می توان در شخصیت امام حسین(ع) یافت که با صراحت تمام در مقابل یزید ایستاد و هرگز تن به ذلت و زندگی با ظالمان نداد (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۲۴۵) و چه نزدیک است به ما آن روزی که امام راحل(ره) با تأسی از ابراهیم و اهل بیت(ع) با قیام انقلابی خود در مقابل رژیم منحوس پهلوی ایستادگی کرد و ملت را از یوق ظالمان رهایی بخشید. اکنون، وظیفه امت اسلام و جوانان با پیروی از ابراهیم، قیام بر علیه مظاهر شرک و کفر است. شیطان و بت امروز آمریکا و هم پیمانان اوست (خمینی، ۱۳۷۸ش: ۴۸۹/۱۰). جهاد و نهرا سیدن در مقابل دشمن (التحریم/۹) و اتکای قلبی به خداوند متعال راز پیروزی در این برهه حساس است (الرعد/۲۸).

نتیجه گیری

قرآن مجید، کتاب هدایت انسان ها در شئون مختلف است. بهره وری این کتاب ارجمند از قالب داستان برای شرح حال حیات انبیاء و نمادپردازی شخصیتی آنان در جهت تأثیرگذاری بیشتر مخاطب فراوان به چشم می خورد.

در این میان، حیات سراسر حماسه ابراهیم(ع) را باید یکی از بهترین و پرنکته ترین داستان های قرآنی دانست که خداوند نمادهایی را در آن به نیکی بیان کرده است.

۱. در این داستان، شخصیت‌ها در دو بُعد قهرمان و ضد قهرمان و نیز وقایع و عوامل طبیعی به زیبایی الگو پردازی و نماد سازی شده است.
۲. ابراهیم(ع)، نماد شخصیتی انقلابی، مستحکم و مبارز در مسیر حق بوده و قوش نماد ارتجاع و تعصب‌اند.
۳. هاجر، نماد و لایت مداری و فرزندش اسماعیل، نماد بندگی و تسلیم است. اسحاق نیز نماد امید و بصیرت و ساره، نماد وقار و اطمینان به تصویر درآمده‌اند. در این قصه، نمرود نماد استکبار و آزر، نماد حق‌گریزی است.
۴. در این داستان قرآنی، در ابتکاری بدیع و خلاقانه، کعبه به عنوان نماد توحید و وحدت امت؛ صفا و مروه نماد پاسداشت از شعائر الهی؛ اجرام آسمانی نماد برهان مستدل؛ بت نماد طاغوت، و تبر نماد مبارزه با دشمن به تصویر کشیده شده اند.



منابع

- قرآن کریم (۱۴۱۸ق.)، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- انصاری، خواجه عبدالله (۱۳۸۲ش.)، مناجات نامه، تصحیح و مقابله محمد حماسیان، کرمان: انتشارات خدمات فرهنگی کرمان.
- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق.)، التفسیر الکبیر، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق.)، لسان العرب، بیروت: دار صادر.
- ابن هشام، عبدالملک بن هشام (بی تا)، السیره النبویه، بیروت: دار المعرفه.
- ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۹ق.)، تفسیر القرآن العظیم، عربستان: مکتبه نزار مصطفی الباز.
- ابن ابی زمنین، محمد بن عبدالله (۱۴۲۴ق.)، تفسیر ابن ابی زمنین، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن أبی الحديد، عبد الحمید بن هبه الله (۱۴۰۴ق.)، شرح نهج البلاغة لابن أبی الحديد، قم: مکتبه آیت الله المرعشی النجفی.

- ابن أبی زینب، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق.). الغیبه للنعمانی، تهران: نشر صدوق.
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی (۱۴۲۲ق.). زاد المسیر فی علم التفسیر، بیروت: دار الکتب العربی.
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد (۱۳۶۳ش.). العبر تاریخ ابن خلدون، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق.). تحف العقول، قم: جامعه مدرسین.
- ابن عربی، محمد بن علی (۱۴۲۲ق.). تفسیر ابن عربی (تأویلات عبدالرزاق)، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن عطیه، عبدالحق بن غالب (۱۴۲۲ق.). المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم (۱۴۱۱ق.). تفسیر غریب القرآن، بیروت: دار و مکتبه الهلال.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۰۷ق.). البدایه والنهایه، بیروت: دار الفکر.
- ابو حیان، محمد بن یوسف (۱۴۲۰ق.). البحر المحیط فی التفسیر، بیروت: دار الفکر.
- ازرقی، محمد بن عبدالله (۱۴۱۶ق.). اخبار مکه وما جاء فیها من الآثار، بیروت: دار الاندلس.
- ازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱ق.). تهذیب اللغه، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱ق.). المحاسن، قم: دار الکتب الاسلامیه.
- بروجردی، محمد ابراهیم (۱۳۶۶ش.). تفسیر جامع، تهران: صدر.
- بلعی، محمد بن محمد (۱۳۷۸ش.). تاریخ نامه طبری، تحقیق: محمدروشن، تهران: سروش.
- پورنامداریان، تقی (۱۳۸۴ش.). رمز و داستان های رمزی در ادب فارسی: تحلیلی از داستان های عرفانی فلسفی ابن سینا و سهروردی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- نعلبی، احمد بن محمد (۱۴۲۲ق.). الكشف والبيان، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- جزائری، نعمت الله (۱۳۸۱ش.). النور المبین فی قصص الانبیاء والمرسلین، ترجمه فاطمه مشایخ، تهران: فرحان.
- جصاص، احمد بن علی (۱۴۰۵ق.). احکام القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۴ش.). آثار اسلامی مکه و مدینه، تهران: نشر مشعر.
- جفری، آرتور (۱۳۸۶ش.). واژه های دخیل در قرآن مجید، تهران: نشر توس.

- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۵ش)، تسنیم؛ تفسیر قرآن کریم، قم: اسراء.
- جوالیقی، موهوب بن احمد (۱۹۹۵م)، المعرب من الکلام الأعجمی علی حروف المعجم، قاهره: دارالکتب المصریه.
- جوزجانی، منهاج الدین سراج (۱۳۶۳ش)، طبقات ناصری تاریخ ایران و اسلام»، تحقیق: عبدالحی حبیبی، تهران: دنیای کتاب.
- چدویک، چارلز (۱۳۹۰ش)، سمبولیسم، ترجمه مهدی سحابی، تهران: نشر مرکز.
- حائری طهرانی، علی (۱۳۳۸ش)، مقتنیات الدرر، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- حسن بن علی، امام یازدهم (ع) (۱۴۰۹ق)، التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسکری (ع)، قم: مدرسه الإمام المهدی (عج).
- حقی برسوی، اسماعیل بن مصطفی (بی تا)، تفسیر روح البیان، بیروت: دارالفکر.
- حمیری، عبدالله بن جعفر (۱۴۱۳ق)، قرب الإسناد، قم: مؤسسة آل البيت (ع).
- خطیب شربینی، محمد بن احمد (۱۴۲۵ق)، تفسیر السراج المنیر، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- خمینی، روح الله (۱۳۷۸ش)، صحیفه امام، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- خویی، ابوالقاسم (۱۴۱۷ق)، مصباح الأصول، قم: مکتبه الداوری.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۹۰ش)، لغت نامه، تهران: دانشگاه تهران. مؤسسه انتشارات و چاپ.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دارالقلم.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التأویل»، بیروت: دارالکتاب العربی.
- سبحانی تبریزی، جعفر (۱۳۸۷ش)، فروغ ابدیت، قم، بوستان کتاب.
- سلطان علی شاه، سلطان محمد بن حیدر (۱۴۰۸ق)، بیان السعاده فی مقامات العباد، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- سیدرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق)، نهج البلاغه (للصبحی صالح)، قم: هجرت.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۰۴ق)، الدر المنثور فی التفسیر بالماثور، قم: کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی.

- سیواسی، احمد بن محمود (۱۴۲۷ق.)، عیون التفاسیر، بیروت: دارصادر.
- شبر، عبدالله (۱۴۰۷ق.)، الجوهر الثمین فی تفسیر الکتاب المبین، کویت: شرکت مکتبه الالفین.
- شوقی، ابوخلیل (۱۳۸۹ش.)، اطلس قرآن، ترجمه محمد کرمانی، مشهد: آستان قدس رضوی.
- صادقی تهرانی، محمد (۱۴۱۹ق.)، البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم: بی نا.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۶ق.)، ثواب الأعمال وعقاب الأعمال، قم: دار الشریف الرضی للنشر.
- _____ (۱۳۸۵ش.)، علل الشرائع، قم: کتاب فروشی داوری.
- طبرانی، سلیمان بن احمد (۲۰۰۸م.)، التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم، بیروت: عالم الكتب.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش.)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو.
- _____ (۱۴۱۲ق.)، تفسیر جوامع الجوامع، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۷۵ش.)، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر.
- _____ (۱۴۱۲ق.)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالمعرفه.
- طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵ش.)، مجمع البحرین، تهران: مرتضوی.
- طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- علم الهدی، علی بن حسین (۱۹۹۸م.)، أمالی المرتضی، قاهره: دار الفکر العربی.
- عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق.)، تفسیر العیاشی، تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق.)، کتاب العین، قم: نشر هجرت.
- فضل الله، محمد حسین (۱۴۱۹ق.)، من وحي القرآن، بیروت: دارالملاک.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۴۱۵ق.)، تفسیر الصافی، تهران: مکتبه الصدر.
- قزائنی، محسن (۱۳۸۸ش.)، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن.
- قزوینی، سید مهدی (۱۴۲۶ق.)، المزار: مدخل لتعین قبور الانبیاء و الشهداء و اولاد الأئمه و العلماء، بیروت: دارالرافدین.
- قشیری، عبدالکریم بن هوازن (۲۰۰۰م.)، لطائف الاشارات: تفسیر صوفی کامل للقرآن الکریم، قاهره: الهیئه المصریه العامه للکتاب.

- قطب، سید (۱۹۹۵م). التصوير الفنی فی القرآن الکریم، بیروت: دار الشروق.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳ش)، تفسیر القمی، قم: دارالکتاب.
- قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا (۱۳۶۸ش)، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران: سازمان چاپ و نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- مرعشی نجفی، سید مهدی (۱۳۸۵ش)، حوادث الایام، قم: تولی.
- مسعودی، علی بن حسین (۱۳۸۴ش)، إثبات الوصیه للإمام علی بن أبی طالب، قم: انصاریان.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۴ش)، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، تهران: صدرا.
- مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۴ق)، التفسیر الکاشف، قم: دارالکتب الاسلامی.
- مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳ق)، تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- مقرئ فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، قم: دارالهجره.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱ش)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- میر صادقی، جمال (۱۳۷۶ش)، عناصر داستان، تهران: انتشارات علمی.
- نظام الاعرج، حسن بن محمد (۱۴۱۶ق)، تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (۱۳۷۱ش)، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- یزیدی، عبدالله بن یحیی (۱۴۰۵ق)، غریب القرآن و تفسیره، بیروت: عالم الکتب.
- جمال الدین، مرتضی (۱۴۴۰ق)، موسوعة أهل البيت عليهم السلام القرآنية، عراق: العتبة الحسينية المقدسة. دار القرآن الکریم.

References

- Holy Quran (1418 AH) Translated by Mohammad Mahdi Fulladvand, Tehran: Islamic history and knowledge study book.
- Ansari, Khwaja-Abdullah(1382SH) "Manajatnameh", edited and edited by Mohammad Hamasian, Kerman: Kerman Cultural Services Publications. [In Arabic]

- Ibn Manzoor, Muhammad Ibn Makram(1414 AH) "Languages of the Arabs", Beirut: Dar Sader. [In Arabic]
- Ibn Hisham, Abdul Malik Ibn Hisham, Beita. "Al-Sirah Al-Nabiyyah", Beirut: Dar Al-Marifah. [In Arabic]
- Ibn Abi Hatim, Abd al-Rahman bin Muhammad(1419 AH)"Tafsir Al-Qur'an Al-Azim", Arabia: Nizar Mostafa Al-Baz School. [In Arabic]
- Ibn Abi Zamnin, Muhammad Ibn Abdullah(1424 AH) "Tafsir-Ibn-Abi-Zamnin", Beirut: Dar-al-Kitab-al-Alamiya. [In Arabic]
- Ibn-Abi-Hadid, Abdul-Hamid-Ben-Heba-Allah(1404 AH) "Explanation of Ibn Abi al-Hadid's rhetoric", Qom: Ayatollah Al-Murashi Al-Najafi School. [In Arabic]
- Ibn-Abi-Zainab, Muhammad-Ben-Ibrahim(1397 AH) "Al-Ghaibah-alnu'mani", Tehran: Nashr Sadouq. [In Arabic]
- Ibn Jozi, Abd al-Rahman bin Ali(1422 AH) "Zad al-Masir in the science of exegesis", Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi. [In Arabic]
- Ibn Khaldoun, Abdurrahman bin Muhammad(1363SH) "Al-Abar-Tarikh-Ibn-Khaldun", translated by Abdul Mohammad Aiti, Tehran: Institute of Cultural Studies and Research. [In Arabic]
- Ibn-Shaba-Harani, Hasan-Ben-Ali(1404 AH) "Tahf-ul-Aqool", Qom: Jamia-Madrasin. [In Arabic]
- Ibn Arabi, Muhammad Bin Ali(1422 AH)"Tafsir-Ibn-Arabi (Tawilat-Abdul-Razzaq)", Beirut: Dar-Ihya-Al-Trath -Al-Arabi. [In Arabic]
- Ibn Atiyah, Abdul Haq bin Ghalib(1422 AH)"Al-Maharr Al-Awjiz fi Tafsir Al-Kitab Al-Aziz", Beirut: Dar Al-Kitab Al-Alamiya. [In Arabic]
- Ibn Qutiba, Abdullah Ibn Muslim(1411 A.H)"Tafsir Gharib al-Qur'an", Beirut: Al-Hilal Dar and Library. [In Arabic]
- Ibn Kathir, Ismail Ibn Umar(1407 AH) "Al-Badaye and Al-Nahaye", Beirut: Dar al-Fekr. Abu Hayyan, Muhammad bin Yusuf, 1420 A.H. "Al-Bahr-al-Omyaat-fi-al-Tafsir", Beirut: Dar-al-Fakr. [In Arabic]
- Azraqi, Muhammad bin Abdullah(1416 AH) "News of Makkah and Ma'jaa Fiha Man Al-Athar", Beirut: Dar al-Andalus. [In Arabic]
- Azhari, Mohammad bin Ahmed(1421 AH) "Tahdeeb-al-Lagheh", Beirut: Dar-Ihya-al-Trath-al-Arabi. Barkhi, [In Arabic]
- Ahmed bin Muhammad bin Khaled(1371 AH) "Al-Mohasen", Qom: Daral-e-Kitab-ul-Islamiyya. [In Arabic] Boroujerdi, Mohammad Ibrahim(1366SH) "Tafsirjame", Tehran: Sadr. [In Persian]
- Balami, Mohammad Bin Mohammad(1378SH) "Tarikhnameh-Tabari", research: Mohammad-Roshan, Tehran: Soroush. Pournamdarian, [In Persian]
- Taghi (1384SH) "Cyphers and Secret Stories in Persian Literature: An Analysis of the Mystical and Philosophical Stories of Avicenna and Sahrvardi", Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company. [In Persian]
- Thaalabi, Ahmad bin Muhammad(1422 AH)"Al-Kashf and Al-Bayan", Beirut: Dar-Ihya-Al-Trath-Al-Arabi. [In Arabic]
- Jazayeri, Nemat Allah(1381SH) "Al-Nur-al-Mubin-fi-Qasses-al-Anbiya' and Al-Mursalin", translated by Fatemeh Mashaikh, Tehran: Farhan. [In Arabic]

- Jisas, Ahmad bin Ali(1405 AH) "Ahkam Al-Qur'an", Beirut: Dar-Ihya-Al-Trath-Al-Arabi. [In Arabic]
- Jafarian, Rasul(2004) "Islamic Works of Mecca and Medina", Tehran, Mashaar Publishing House. [In Persian]
- Jeffrey, Arthur(2016) "Words included in the Glorious Qur'an", Tehran: Tos Publishing. [In Persian]
- Javadi Amoli, Abdullah(2015) "Tasnim; Commentary on the Holy Qur'an", Qom: Isra'a. [In Persian]
- Javaliqi, Mohob bin Ahmad(1995) "Al-Marab-man-al-kalam-al-Ajmi-ali-haruf-al-maajm", Cairo: Dar-al-Katb-al-Masriyyah. [In Arabic]
- Jozjani, Minhajuddin Siraj(1363SH) "Nazarene classes in the history of Iran and Islam", research: Abdol Hai Habibi, Tehran: World of Books. [In Persian]
- Chadwick, Charles(1390SH) "Symbolism", translated by Mahdi-Sahabhi, Tehran: Nash-Markaz. [In Persian]
- Haeri Tehrani, Ali(1338SH) "Collections of Al-Darr", Tehran: Dar Al-Kitab Al-Islamiyeh. [In Arabic]
- Hasan bin Ali, the 11th Imam (a.s.)(1409 A.H) "Al-Tafsir al-Mansob to Imam al-Hasan al-Askari (a.s.)", Qom: Madrasah al-Imam al-Mahdi. [In Arabic]
- Haqi-Barsowi, Ismail-Ben-Mustafa, Bitā-Ta. "Tafsir-Rouh-Al-Bayan", Beirut: Dar al-Fekr. [In Arabic]
- Hamiri, Abdullah bin Jaafar(1413 AH) "Qarb Al-Isnad", Qom: Al-Al-Bayt Foundation Khatib-Sharbini, [In Arabic]
- Muhammad-bin-Ahmad(1425 AH) "Tafsir Al-Sarraj Al-Munir", Beirut: Dar Al-Kitab Al-Alamiya. [In Arabic]
- Khomeini, Ruhollah(1378) "Sahifeh Imam", Tehran: Institute for Organizing and Publishing the Works of Imam Khomeini. [In Persian]
- Khoei, Abul Qasim(1417 AH) "Masbah-ul-Asul", Qom: Al-Davari Library. Dehkhoda, [In Arabic]
- Ali Akbar(1390SH) "Dictionary", Tehran: University of Tehran. Publishing and Printing Institute. [In Persian]
- Ragheb-Esfahani, Hossein-Ben-Mohammed(1412 AH) "Vocabulary of Al-Qur'an", Beirut: Dar al-Qalam. [In Arabic]
- Zamakhshari, Mahmud bin Omar(1407 AH) "Al-Kashf-on-Haqaqeeq-Ghawamz-Al-Tanzil and Al-Ayun Al-Aghawil in the Forms of Interpretation", Beirut: Dar Al-Kitab Al-Arabi. [In Arabic]
- Sobhani Tabrizi, Jafar(1387SH) "Eternity Prosperity", Qom, Bostan-Katab. Sultan-Ali Shah, Sultan-Muhammad-Ben-Hayder(1408 AH) "Statement of Al-Saadah in the Maqamat al-Abadah", Beirut: Al-Alami Press Institute. [In Persian]
- Seyyed Rezi, Muhammad bin Hossein (1414 AH) "Nahj al-Balagheh (Lal Sobhi Saleh)", Qom: Hijrat. [In Arabic]
- Siyuti, Abd al-Rahman bin Abi Bakr (1404 AH)"Al-Dar al-Manthor fi al-Tafsir in Mathur", Qom: Ayatollah Murashi Najafi Public Library. [In Arabic]

- Sivasi, Ahmad Bin Mahmoud (1427 AH) "Ayun Al-Tafaseer", Beirut: Dar-Sader. [In Arabic]
- Shabar, Abdullah (1407 AH) "Al-Johar Al-Thamin Fi Tafsir Al-Kitab Al-Mubin", Kuwait: Al-Alfin Library Company. [In Arabic]
- Shoghi, Abukhalil (1389SH) "Atlas-Quran", translated by Mohammad-Kermani, Mashhad: Astan-Quds-Razavi. [In Persian]
- Sadeghi Tehrani, Muhammad (1419 AH) "Al-Balaagh-Fi-Tafsir-Al-Qur'an-Bal-Qur'an", Qom: Bi-Na. [In Arabic]
- Sadouq, Muhammad Bin Ali (1406 AH) "Rewards of Actions and Punishments of Actions", Qom: Dar Al-Sharif Al-Radisher Publishing House. [In Arabic]
- Sadouq, Muhammad Bin Ali (1385sh) "Allal Al-Shari'a", Qom: Book Store.
- Tabarani, Suleiman bin Ahmed (2008) "Al-Tafsir Al-Kabeer: Tafsir Al-Qur'an Al-Azim", Beirut: Alam-al-Kitab. [In Arabic]
- Tabarsi, Fazl-Ben-Hassan (1372SH) "Al-Bayan Assembly in Tafsir al-Qur'an", Tehran: Nasser Khosrow. [In Arabic]
- Tabarsi, Fazl-Ben-Hassan (1412 AH) "Tafsir-Jawama'-Al-Jawama'", Qom: Center-Management-Huzeh-Aleamieh-Qom. [In Arabic]
- Tabari, Mohammad bin Jarir (1375SH) "Tarikh-Tabari", translated by Abul-Qasim-Payandeh, Tehran: Asatir. [In Arabic]
- Tabari, Muhammad bin Jarir (1412 AH) "Jamae-Al-Bayan-Fi-Tafsir-Al-Qur'an", Beirut: Dar al-Marafa. [In Arabic]
- Razi, Fakhr-al-Din-bin-Mohammed (1375SH) "Bahrain Assembly", Tehran: Mortazavi. [In Arabic]
- Tusi, Mohammad Bin Hasan, Bita. "Al-Tabyan-fi-Tafsir-al-Qur'an", Beirut: Dar-Ihya-Al-Trath-Al-Arabi. [In Arabic]
- Alam al-Huda, Ali bin Hossein (1998) "Amali-al-Mortaza", Cairo: Dar-al-Fakr-al-Arabi. [In Arabic]
- Ayashi, Muhammad Bin Masoud (1380 A.H) "Tafsir Al-Ayashi", Tehran: Islamic School. [In Arabic]
- Fakhrrazi, Muhammad bin Omar (1420 AH) "Al-Tafsir al-Kabir", Beirut: Dar-Ihya-Al-Trath-Al-Arabi. [In Arabic]
- Farahidi, Khalil bin Ahmad (1409 AH) "Kitab-ul-Ain", Qom: Hijrat Publishing. [In Arabic]
- Fazlullah, Mohammad Hossein (1419 AH) "Man-Wahi-Al-Qur'an", Beirut: Dar-ul-Mulak. [In Arabic]
- Faiz-Kashani, Mohammad-Ben-Shah-Mortaza (1415 AH) "Tafsir Al-Safi", Tehran: Al-Sadr Library. [In Arabic]
- Qaraati, Mohsen (2018) "Tafsir Noor", Tehran: Center for Cultural Studies of the Qur'an. [In Persian]
- Qazvini, Seyyed Mahdi (1426 AH) "Al-Mazar: an entry for determining the graves of the prophets and the martyrs and the children of the imams and the scholars", Beirut: Dar al-Rafidin. [In Arabic]

- Qoshiri, Abdul Karim Ben Hwazen (2000) "Lataif Al-Isharat: Complete Sufi Interpretation of the Holy Qur'an", Cairo: Al-Hieheh Al-Masriyyah Al-Aameh Lal-Katab. [In Arabic]
- Qutb, Seyed (1995) "Al-Thamb Al-Fani Fi Al-Qur'an Al-Karim", Beirut: Dar Al-Shoroq. [In Arabic]
- Qomi, Ali Ibn Ibrahim (1363SH) "Tafsir al-Qami", Qom: Darul Kitab. [In Arabic]
- Qomi Mashhady, Mohammad Bin Mohammad Reza, (1368) "Tafsir Al-Daqaq and Bahr Al-Gharaeb", Tehran: Islamic Culture and Guidance Publishing Organization. [In Arabic]
- Koleini, Muhammad bin Yaqub (1407 AH) "Al-Kafi", Tehran: Dar Al-Kutb Al-Islamiyeh. [In Arabic]
- Majlesi, Mohammad Baqer (1403 AH) "Bihar-al-Anwar", Beirut: Dar-Ihya-al-Trath-al-Arabi. [In Arabic]
- Marashi-Najafi, Seyyed Mehdi (2005) "Hawadth Al-Alayam", Qom: Toli. [In Arabic]
- Masoudi, Ali Bin Hussein (2004) "Proof of the will of Imam Ali ibn Abi Talib", Qom: Ansarian. [In Arabic]
- Motahari, Morteza (1384SH) "Collection of works of Master Shaheed Motahari", Tehran: Sadra. [In Persian]
- Mughniyeh, Mohammad Javad (1424 AH) "Al-Tafsir Al-Kashif", Qom: Dar Al-Kitab Al-Islami. [In Arabic]
- Muqatil bin Suleiman (1423 AH) "Tafsir-Muqatal-Ben-Suleiman", Beirut: Dar-Ihya-Al-Trath-Al-Arabi. [In Arabic]
- Moghri-Fayoumi, Ahmad-bin-Muhammad (1414 AH) "Al-Masbah Al-Munir Fi Gharib Al-Sharh Al-Kabeer", Qom: Daral-Hijrah. [In Arabic]
- Makarem-Shirazi, Nasser (1371SH) "Tafsir-e-Muneh", Tehran: Dar al-Kutb-ul-Islamiyeh. [In Persian]
- Mirsadeghi, Jamal (1376SH) "Elements of Story", Tehran: Scientific Publications. [In Persian]
- Nizam-al-Araj, Hasan-bin-Muhammad (1416 AH) "Tafsir-Al-Qur'an and Al-Raghaib Al-Furqan", Beirut: Dar Al-Kitab Al-Alamiya. [In Arabic]
- Yaqoubi, Ahmad bin Abi Yaqoob (1371SH) "History of Yaqoubi", translated by Mohammad Ebrahim Ayiti, Tehran: Scientific and Cultural Publications. [In Arabic]
- Yazidi, Abdullah bin Yahya (1405AH) Garibolquran va tafsireh, Beirroot: Alam ol ketab. [In Arabic]

